

شاعر: محمد رضا محمدی نیکو

آهنگساز: ناصر فلاحی

ای که پیچید شبی در دل این کوچه صدایت
یک جهان پنجره بیدار شد از بانگ رهایت
تا قیامت همه جا محشر کبرای تو بر پاست
ای شب تار عدم، شام غریبان عزایت
عطش و آتش و تنهایی و شمشیر و شهادت
خبری مختصر از حادثه کرب و بلایت
همرهانت، صفی از آینه بودند و خوش آن روز
که درخشید خدا در همه آینه هایت
کاش بودیم و سر و دیده و دستی چو ابوالفضل (ع)
می فشاندیم سبک تر ز کفی آب به پایت
از فرا سوی ازل تا ابدای حلق بریده
می رو دایره در دایره پژواک صدایت